

بررسی فقهی افضلیت سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

علی محامد*

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۸۹/۰۱/۱۷؛ تاریخ تصویب: ۸۹/۰۵/۲۵)

چکیده

مقاله‌ای که پیش‌رو دارید، سجده بر تربت امام حسین علیه السلام را مورد بررسی قرار داده است. بدین منظور ابتدا افضلیت سجده بر تراب از دیدگاه اخبار و روایات شیعه و سنی مورد پژوهش قرار گرفته و براساس این روایات، افضلیت سجده بر تراب به اثبات رسیده و روشن شده است که مسلمانان صدر اسلام که با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواندند، در حال اختیار بر چیزی که از زمین نبود، سجده نمی‌کردند و نیز روشن شده که سجده بر فرش و لباس و اطراف عمامه باطل و از مستحذاتی است که بر صحت آن دلیلی وجود ندارد. نیز از روایات و آثار و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعین از شیعه و سنی در فضیلت تربت امام حسین علیه السلام و اخبار سجده پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام بر خمره که از لیف خرما ساخته می‌شده به اثبات رسیده که تربت امام حسین علیه السلام از همه مصادیق خاک افضل است و اهتمام شیعه به سجده بر تربت کربلا، از جهت فضیلت و قداست خاک کربلاست که این فضیلت و قداست را از شهادت امام حسین علیه السلام به‌دست آورده است و آن نیز حکمی مستحب است نه واجب. در پایان به شبهه شرک پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی

نماز، سجده، خاک، خمره، تربت امام حسین علیه السلام، کربلا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مستفاد از آیات شریفه قرآن و روایات اسلامی این است که نماز مهم‌ترین و برترین اعمال دینی است؛ چون نماز از ارکان اساسی دین اسلام و تأکیدهایی که برای اجرای این فریضه الاهی شده، از سایر فرایض بیشتر است؛ زیرا آثار و برکاتی که نماز برای فرد و جامعه انسانی دارد افزون‌تر از سایر اعمال دینی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه فرموده است: «تعاهدوا امر الصلاة و حافظوا علیها و استکتروا منها و تقربوا بها فانها کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا الاتسمعون الی جواب اهل النار حین سئلوا ما سلکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین و أنها لتحت الذنوب حت الورق و تطلقها اطلاق الریق و شبهها رسول الله صلی الله علیه و آله بالحمئه علی باب الرجل فهو یغتسل منها فی الیوم و اللیلة خمس مرات فما عسی ان ینقذ علیه من الدرن» (خطبه ۱۹۲)؛ ای مردم! اقامه نماز را برعهده بگیرید و آن را حفظ کنید و زیاد نماز بخوانید و با نماز خود را به خدا نزدیک نمایید. نماز دستوری است که در وقت‌های خاص بر مؤمنان واجب گردیده است. آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نمی‌دهید، آن هنگام که از آنان پرسیدند: چه چیز شما را به دوزخ کشانده است؛ گفتند: ما از نمازگزاران نبودیم. همانا نماز گناهان را چون برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرد. اگر روزی پنج بار خود را در آن شست‌وشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن نماند.

قطعا این عبادت الاهی دارای اجزاء، شرایط و آدابی است که اگر همه آن‌ها در آن جمع شود، این آثار از جمله آمرزش گناهان و تقرب به خدا را همراه دارد. از جمله شرایط آن سجده کردن است. سجده خود از عبادات و روشن‌ترین و عالی‌ترین مظهر بندگی و خلوص انسان در پیشگاه خداوند است؛ زیرا انسان هنگام سجده بالاترین عضو بدن را روی زمین می‌گذارد و عالی‌ترین مرتبه خضوع و تذلل در مقابل ذات مقدس پروردگار را اظهار می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ق، ج ۱، ص ۱۲۳).

به اتفاق همه مذاهب اسلامی، در هر رکعت نماز، دو سجده واجب و این دو سجده از ارکان نماز است: «السجود من الفرائض المتفق علیها فی فرض علی کل مصل ان یسجد مرتین فی کل رکعة و لكن القدر الذی یحصل به الفرض من السجود فی اختلاف المذاهب» (جزری، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۲)؛ سجود در نماز از واجباتی است که اتفاق نظر در آن وجود دارد. بنابراین، بر هر نمازگزار دو مرتبه سجده کردن واجب است؛ ولی در مقداری که سجده واجب انجام می‌گیرد در مذاهب اسلامی اختلاف است: «قال الامام الخمينی قدس سره یجب فی کل رکعة سجدتان و هما رکن تبطل الصلاة بزیادتهما معا فی الركعة الواحدة و نقصانهما كذلك عمداً او سهواً» (خمینی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۱۷۲)؛ واجب است در هر رکعت دو سجده و این دو با هم یک رکن از نماز است که اگر زیاد شوند و یا با هم ترک شوند، نماز باطل می‌شود؛ چه عمدی و چه سهوی باشد.

سجده بر خاک افضل است

یکی از مسائل اختلافی بین شیعه و اهل سنت موضوع «ما یصح السجود علیه» است. فقهای شیعه بر حسب دلایل بسیار معتبر اعتقاد دارند که سجده بر هر چیزی صحیح نیست، بلکه علاوه بر شرط طهارت، واجب است سجده بر زمین، یعنی هر چه بر آن اطلاق زمین می‌شود، مانند خاک و سنگ و شن و ماسه و ریگ و یا هر چیز که از زمین می‌روید، از قبیل گیاهان و درختان مختلف چه بومی و چه جنگلی در صورتی که خوردنی و پوشیدنی نباشد سجده صحیح است. بنابراین، سجده بر لباس و اطراف عمامه و یا فرش و گلیم که از پشم و مو و کرک و یا از مواد امروزی تهیه می‌شود باطل است، برخلاف علما و فقهای اهل سنت که سجده را بر همه چیز حتی فرش و لباس و اطراف عمامه در حال اختیار جایز می‌دانند. محقق کرکی در جامع المقاصد می‌فرماید: «اجمع الاصحاب علی انه یعتبر فی مسجد الجبهة ان یکون ارضا او ما فی حکمها و سیأتی تفصیله و طبق کثیرة العامه علی خلافه و الاخبار عن اهل البيت علیهم السلام کثیره» (کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۱۵۱ و العینی، بی تا، ج ۴، صص ۱۱۶-۱۱۷)؛ اصحاب ما اتفاق دارند بر این که شرط است در محل سجده این که زمین باشد و یا در حکم زمین [آنچه از زمین می‌روید] ولی

علمای عامه برخلاف آن اتفاق دارند و اخبار از طرف اهل بیت عصمت و طهارت در این موضوع زیاد است.

اما آنچه در این مسأله می‌توان ادعا کرد این است که به اتفاق تمام مذاهب اسلامی و همه فقیهان شیعه و سنی سجده بر زمین جایز است، بلکه افضل از همه چیزهای است که سجده بر آنها صحیح است، حتی خاک زمین از انواع سنگ‌ها نیز افضل است: «قال فی العروة الوثقی السجود علی الارض افضل من النبات و القرطاس و لا یبعد کون التراب افضل من الحجر» (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۹۷)؛ سجده بر زمین از سجده بر رویدنی‌ها و از کاغذ افضل است و بعید نیست که خاک از سجده بر سنگ افضل باشد.

اما دلیل بر این افضلیت روایات زیادی است که از منابع حدیثی و روایی شیعه و اهل سنت رسیده است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم. از منابع شیعه به دو روایت اکتفا می‌شود:

۱. روایت صحیح هشام بن الحکم از امام صادق علیه السلام: «السجود علی الارض افضل لانه ابلغ فی التواضع و الخضوع لله» (حرعاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۳، ص ۶۰۸).

سجده کردن بر زمین برتر است؛ چون سجده بر زمین در رسانیدن تواضع و خضوع و کوچکی انسان در مقابل خدای متعال رساتر است.

سجده در نماز و غیر نماز عبادت خداست و هدف از سجده اظهار عبودیت و تواضع و فروتنی بنده در مقابل ذات کبریایی خداوند متعال و بهترین حالت برای رسیدن به این هدف اعلا سجده بر خاک است، خصوصاً این که خاک بر چهره نمازگزار اثر بگذارد؛ زیرا انسان باید در مقابل خداوند این گونه اظهار مذلت کند.

۲. «وسئل اسحاق بن فضیل ابا عبدالله علیه السلام عن السجود علی الحصر و البواری فقال علیه السلام: لا بأس و ان یسجد علی الارض احب الی» (حرعاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۳، ص ۶۰۸)؛ اسحاق بن فضیل از امام صادق علیه السلام از سجده کردن بر حصیرها و بوریاهما سؤال کرد امام فرمود: مانعی ندارد؛ ولی سجده بر زمین پیش من محبوب‌تر است.

روایات اهل سنت

«عن ابی الولید قال سألت ابن عمر عن الحصى فی المسجد فقال مطرنا ذات لیلة فاصبحت الارض مبتلة فجعل الرجل یأتی بالحصى فی ثوبه فبسطه تحته فلما قضی رسول الله صلی الله علیه و آله قال ما احسن هذا» (سجستانی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۷۹)؛ ابی الولید می گوید: از عبدالله بن عمر از علت سنگریزه های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردم. گفت: شبی از شبها بر ما باران بارید. صبح آن شب، زمین مسجد تر شده بود. پس، هر شخصی که برای نماز به مسجد می آمد مقداری سنگریزه را در دامن جامه اش می کرد و به مسجد می آورد و زیر خودش می گسترانید و بر روی آن نماز می خواند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله نمازش را تمام کرد، فرمود: چه بسیار خوب است این کار!

جناب ابی داود درباره سنگریزه های مسجد بابی منعقد کرده و در آن سه حدیث آورده است. دو حدیث دلالت دارد بر این که بیرون بردن سنگریزه مسجد جایز نیست و این حدیث هم دلالت دارد بر این که خود مردم نمازگزار سنگریزه می آورند و با آن نماز می خواندند. این احادیث نشان می دهد که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله معمول بوده است که روی زمین مسجد نماز بخوانند و بر زمین سجده کننده مردم در صورتی که باران آمده و زمین مسجد تر شده بود سنگریزه می آوردند و بر روی آن نماز می خواندند، نه روی فرش و دور عمامه. بنابراین، این حدیث، هم بر افضلیت سجده بر روی زمین دلالت دارد و هم دلالت می کند بر این که سجده بر فرش و عمامه جایز نیست. اصلاً معمول نبوده است که کسی روی فرش و عمامه سجده کند.

«قال ابوذر: سئلت رسول الله صلی الله علیه و آله ای مسجد وضع اولاً؟ قال: المسجد الحرام. قلت: ثم، قال: المسجد الاقصی: قلت و کم بینهما؟ قال: اربعون عاماً و الارض لک مسجد فحيثما ادرکت الصلاة فصل» (نسائی، ۱۳۴۸ ق، ج ۱، ص ۹۳۰)؛ ابوذر غفاری می گوید: از پیامبر سؤال کردم: کدام مسجد اول قرار داده شده است؟ فرمودند: مسجد الحرام. گفتم: بعد از آن؟ فرمود: مسجد الاقصی. گفتیم: چه مقدار بین آنها فاصله بوده است؟ فرمود: چهل سال و مطلق زمین برای تو مسجد است. هر زمان که نماز را درک کردی، پس نماز بخوان.

توضیح: از آن‌جا که پیامبر ﷺ بعد از مسجد الحرام و مسجد الاقصی که نماز خواندن در آن‌ها ثواب بسیار دارد، فرمود: هر وقت نماز را درک کردی زمین برای تو مسجد است؛ معلوم می‌شود تراب از همه چیز افضل است؛ چون مصداق روشن زمین خاک زمین است، اگر چه سنگ‌ها هم جزء زمین می‌باشند.

«عن بریده ان رسول الله ﷺ قال: ثلاث من الجفا ان يبول و هو قائم او يمسح جبهته قبل ان يفرغ من صلاته او ينفخ في سجوده. رواه البزاز و الطبرانی فی الکبیر و الاوسط فی الاوسط و رجال البزاز رجال الصحيح و عن انس رفة. قال: ثلاث من الجفاء ان ينفخ الرجل فی سجوده او يمسح جبهته قبل ان يفرغ من صلاته ذهب عنی الثالث» (الهیثمی، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۸۳)؛ بریده از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که فرمودند: سه چیز از جفاست: این‌که در حال ایستاده بول کند و جبین خود را پیش از فراغت از نماز مسح کند و یا در حال سجده فوت کند. این روایت را دانشمند معروف بزاز و طبرانی در کتاب اوسط خود روایت کرده و همه راویان بزاز صحیح هستند و نیز انس بن مالک از پیامبر ﷺ روایت کرده است که فرمودند: سه چیز جفاست: این‌که شخصی در حال سجده پف نماید و یا این‌که پس از فراغت از نماز جبین خود را پاک نماید و سومی را فراموش کرده ام.

از این روایت استفاده می‌شود که غبارآلود شدن پیشانی در حال نماز مطلوب است؛ زیرا پاک کردن پیشانی و یا پف کردن در حال سجده به منظور پاک کردن جایگاه سجده جفا شمرده شده است و این مطلب دلالت می‌کند که روی زمین سجده کردن از چیزهای دیگری که سجده بر آن‌ها صحیح و پاکیزه‌تر از خاک است، افضل می‌باشد.

«جابر بن عبدالله قال: كنت اصلي مع رسول الله ﷺ صلاة الظهر فأخذ قبضه من الحصی فی كفی حتی تبرد واضعها بجبهتی اذا سجدت من شده الحر» (بیهقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۱۰۵)؛ جابر بن عبدالله می‌گوید: با رسول خدا ﷺ نماز ظهر می‌خواندم. پس، قبضه‌ای از سنگ‌ریزه را به دست می‌گرفتم تا خنک شود و در وقت سجده بر پیشانی خود بگذارم. بیهقی بعد از این حدیث، گفته است: استاد ما گفته است: اگر سجده بر لباسی که به بدن متصل است جایز بود، آسان‌تر بود برای جابر و مردم تا این‌که سنگ‌ریزه داغ را

خنک کنند. به نظر می‌رسد این حدیث هم دلالت می‌کند که سجده بر زمین معمول بوده؛ چون افضل است. وقتی ضرورتی حاصل می‌شده مانند باریدن باران و یا گرمی هوا بر سنگریزه سجده می‌کردند.

«انس بن مالک: کنا نصلی مع رسول الله صلی الله علیه و آله فی شده الحر فیأخذ احدنا الحصیات فی یده اذا برد وضعه و سجد علیه» (بیهقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۱۰۶)؛ انس بن مالک می‌گوید: با رسول خدا صلی الله علیه و آله در شدت گرمی هوا نماز می‌خواندیم. پس هر یک از ما سنگریزه‌هایی در دست خود می‌گرفت تا خنک شود و آنگاه می‌گذاشت و بر آن سجده می‌کرد.

«خباب بن ارت قال: شکونا الی رسول الله صلی الله علیه و آله شدة الرضا فی جباهنا و اکفنا فلم یشکنا» (بیهقی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، صص ۱۰۵ و ۱۰۷)؛ خباب بن ارت گفت: به رسول خدا صلی الله علیه و آله از شدت گرمی خاک و سنگ‌ها در پیشانی‌ها و دست‌های ما شکایت کردم، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله جواب ما را ندادند و اگر سجده بر فرش و لباس جایز بود، به آن‌ها اجازه می‌دادند.

«عن خالد الجهنی قال: رأی النبی صلی الله علیه و آله و سلم صهیباً یسجد كأنه یتقی التراب فقال له ترب وجهک یا صهیب» (الهندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۶۵)؛ خالد جهنی می‌گوید: پیامبر دیدند که صهیب سجده می‌کند و گویا از خاک پرهیز می‌کند. فرمودند: ای صهیب! صورت خود را خاک آلود کن.

«روت ام سلمه رضی الله عنها: رأی النبی صلی الله علیه و آله و سلم غلاماً لنا. یقال: له أفلح ینفخ اذا سجد فقال یا افلح ترب و فی روایة اخرى یا رباح ترب وجهک» (الهندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۵۹)؛ ام سلمه روایت کرده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله غلام ما به نام افلح را دیدند که هرگاه به سجده می‌رفت، پف می‌کرد. به او فرمود: ای افلح! صورت خود را خاک آلود کن و براساس روایت دیگری این کلام را به رباح فرمودند.

«روی ابا صالح قال: دخلت علی ام سلمه فدحل علیها ابن اخ لها فصلی فی بیتها رکعتین فلما سجد نفخ التراب فقالت: ام سلمه ابن اخی لاتنفخ فانی سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: لغلام له. یقال: یسار و نفخ ترب وجهک» (الهندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۶۵)؛ ابا صالح راوی می‌گوید: بر ام سلمه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و بعد از من، پسر برادرش وارد شد و در

خانه ام‌سلمه دو رکعت نماز خواند. هنگام سجده، خاک را پف کرد. پس، ام‌سلمه به او گفت: فرزند برادر! پف نکن؛ زیرا من از پیامبر شنیدم که به غلامش به نام یسار وقتی که در سجده پف کرد، فرمودند: صورت خود را خاک آلوده کن.

مضمون این سه روایت یکی است و شاید در اصل یک روایت باشد و مبنای آن این است که صورت را، یعنی محل سجده را روی خاک نهادن مطلوب است. مذموم است برای بر طرف کردن خاک در محل سجده پف کنند و این بر افضلیت سجده بر زمین دلالت دارد، مانند روایت گذشته و نیز دلالت دارد که سجده بر فرش و لباس و عمامه و غیر این‌ها جایز نیست و این‌که معمول نبوده است که بر لباس سجده کنند.

«عن سلمان قال: قال: رسول الله تمسحوا بالارض فانها بكم بره» (الهندي، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۶۶۰)؛ سلمان می‌گوید: پیامبر ﷺ فرمود: زمینی مسح کنید؛ زیرا درباره شما بسیار مهربان است.

«بره ای مشفقه علیکم کالوالد البره باولادها یعنی ان منها خلقکم و فیها معاشکم والیها بعدالموت کفانکم» (جزری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۶)؛ واژه «بره» در حدیث به معنی شفقت و مهربانی است، مانند پدر مهربان. مقصود این است که خلقت شما از زمین و وسیله معاش و زندگی شما در زمین است و کفن‌های شما بعد از مرگ از زمین است.

«عن النبی ﷺ السجود علی الجبهه والکفین و الرکتین و صدور القدمین من لم یمکن شیئا منه من الارض احرقه الله بالنار» (الهندي، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۴۵۹)؛ پیامبر ﷺ فرمودند: سجده بر هفت موضع است: پیشانی و دو کف دست و دو زانو و سر دو انگشت پا و هر کس چیزی از آن بر زمین مستقر نکند، خداوند او را به آتش می‌سوزاند.

مجموع این روایات، علاوه بر بیان بعضی از مطالب اخلاقی به دو مطلب مهم که ما در این نوشتار به دنبال آن هستیم، دلالت دارند: اول این که در زمان رسول خدا ﷺ در میان مسلمانانی که در مسجد مدینه منوره نماز می‌خواندند معمول و متعارف نبوده است که بر غیر زمین در حال اختیار سجده کنند و اگر باران می‌بارید و زمین مسجد تر می‌شد که ایستادن روی آن و یا سجده ممکن نبود، سنگ‌ریزه‌ها را جمع می‌کردند و بر

روی آن می ایستادند و بر آنها سجده می کردند و حتی خباب بن ارت هم وقتی که از شدت گرمای سجده شکایت کرد و می خواستند پیامبر اجازه دهد که روی فرش سجده کنند، حضرت به شکایت آنان ترتیب اثر ندادند تا این که خودشان سنگریزه ها را در دست نگاه می داشتند و وقتی خنک می شد بر آن سجده می کردند. این نکته گویای آن است که سجده کردن بر فرش مسجد از مستحذات است و بدعت است و اصلاً جایز نیست. پیامبر فرمودند: «وایاکم و المستحذات الامور فانها بدعة و کل بدعة ضلالة و الضلالة فی النار».

افضلیت سجده بر تربت امام حسین علیه السلام

«قال: فی الحدائق و افضل افراد الارض فی السجود علی التربة الحسینة علی مشرفها افضل الصلاة و السلام و التحية». (بحرانی، بی تا، ج ۷، ص ۲۹۰)؛ باید گفت که بدون شک، سجده کردن بر تربت امام حسین علیه السلام افضل است و خاک کربلای امام حسین علیه السلام افضل افراد خاک زمین است. دلیل این مطلب را از دو طریق شیعه و سنی ذکر می کنیم. از طریق شیعه روایاتی است که از اهل بیت رسیده است، از جمله:

شیخ طوسی در کتاب مصباح المتعجد از معاویه بن عمار چنین روایت کرده است: «کانت لابی عبدالله علیه السلام خريطة دبیاج صفراء فیها تربة ابي عبدالله علیه السلام فكان اذا حضرته الصلاة صبه علی سجاده و سجد علیه ثم قال ان السجود علی تربة ابي عبدالله علیه السلام یخرق الحجب السبع» (الهندي، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۶۰۸)؛ معاویه بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام یک دستمال ابریشمی سفیدی داشت که در آن تربت حضرت امام حسین علیه السلام بود. پس، شیوه آن حضرت این بود که هرگاه وقت نماز می رسید، تربت را روی سجاده خودشان می ریختند و بر آن سجده می کردند و می فرمودند: به درستی که سجده بر تربت ابا عبدالله علیه السلام حجاب هفت گانه قبولی نماز را پاره می کند.

نیز شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: «السجود علی طین قبرالحسین علیه السلام ینور الی الارضین السبعة و من کانت معه سبحة من

طین قبرالحسین علیه السلام کتب مستبحا و ان لم یستیح بها» (صدوق، ۱۳۹۰، ق، ج ۱، ص ۸۶)؛ سجده بر خاک قبر امام حسین علیه السلام تا هفت طبقه زمین را نورانی می‌کند و هرکس تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام نزد او باشد، تسبیح کننده محسوب می‌شود، اگر چه با آن تسبیح هم نگوید.

همچنین محدث بزرگ، دیلمی در کتاب ارشاد از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: سجده نمی‌شود مگر بر تربت امام حسین علیه السلام برای اظهار تذلل و کوچکی و درماندگی برای خداوند متعال (حر عاملی، ۱۳۹۱، ق، ج ۲، ص ۶۰۸).

فضیلت تربت امام حسین علیه السلام به روایات اهل سنت

دلیل این مطلب از طریق اهل سنت روایات زیادی است که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است.

اول: از یکی از دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، عایشه و یا ام سلمه روایت شده است که پیامبر به آن‌ها فرمودند: ملکی از ملائکه الهی که هرگز بر من وارد نشده بود، بر من وارد شد. پس به من گفت: این فرزند تو (حسین) شهید می‌شود. اگر می‌خواهی خاک آن زمین که در آن شهید می‌شود، به تو نشان دهم. سپس خاک سرخی بیرون آورد و به من نشان داد (حنبل، بی تا، ج ۷، ص ۴۱۸).

نیز از ام سلمه روایت شده است که روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در خانه من نشسته بودند و به من فرمودند: امروز کسی بر من وارد نشود و من به حال انتظار بودم. ناگهان حضرت حسین علیه السلام وارد شد. دیدم پیامبر گریه می‌کند. وارد اطاق شدم، دیدم امام حسین علیه السلام در کنار ایشان است و دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دست بر جبین او می‌کشد و گریه می‌کند. گفتم: من ندانستم کی حسین علیه السلام بر شما وارد شد. پیامبر فرمودند: جبرئیل در این خانه با ما بود و به من گفت: آیا حسین را دوست داری؟ گفتم: آری. جبرئیل گفت: امت تو حسین را در زمینی به نام کربلا می‌کشند. جبرئیل با دست خود تربت کربلا را آورد و به من داد. وقتی امام حسین علیه السلام در کربلا در محاصره دشمنان قرار گرفت،

پرسید: این چه زمینی است؟ به ایشان گفته شد: کربلا. فرمود: پیامبر درست فرمود، این جا محل کرب و بلاست (الهیثمی، ۱۴۰۲ ق، ج ۹، ص ۱۸۹، باب مناقب حسین).
 نیز روایت دیگر از ام سلمه به این صورت آمده است: شبی رسول خدا بر پشت خوابیده و در حال اضطراب و نگرانی به سر می بردند و من هرگز ایشان را به این حالت ندیده بودم. سپس دیدم ایشان را که بر پشت استراحت کرده و در دست ایشان خاک سرخی است و آن را زیر و رو می کنند و در دست می چرخانند. به ایشان گفتم: یا رسول الله! این چه خاکی است؟! فرمودند: جبرئیل به من خبر داد که این فرزندم [و اشاره کرد به حسین]، در سرزمین عراق کشته می شود. من گفتم: تربت زمینی را که حسین در آن کشته می شود، به من نشان دهد و این تربت آن زمین، یعنی کربلا است (الهندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۱۰۶).

نیز از سیده ام الفضل دختر حارث بن عبدالمطلب روایت شده است که گفت: حسین در دامن من بود و من بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم. حضرت لحظه ای به من توجه نکرد. ناگهان دیدم از هر دو چشم رسول خدا صلی الله علیه و آله اشک می ریزد. به ایشان گفتم: ای پیامبر خدا! پدر و مادرم به فدای تو، چرا گریه می کنی؟! فرمود: جبرئیل به من خبر داده است که زود باشد امت من، او را می کشند. جناب ام الفضل از این خبر ناراحت شد و اشاره کرد به حسین علیه السلام و گفت: این حسین کشته می شود؟! پیامبر فرمود: آری، کشته می شود و این است که جبرئیل تربتی از کربلا آورده است و آن خاک سرخ بود. این روایت را شیخ مفید از اوزاعی که از علمای اهل سنت است، به تفصیل بیشتر روایت کرده است (مفید، ج ۲، ص ۱۳۲ و نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۷۶).

همچنین عایشه روایت کرده است که روزی حسین علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که وحی الاهی بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل می شد. جبرئیل به رسول خدا گفت: آیا او را دوست داری؟ پیامبر فرمود: چگونه او را دوست ندارم! او محبوب ترین فرزند من است. جبرئیل گفت: زود باشد امت تو بعد از شما او را بکشند. سپس جبرئیل دست دراز کرد و یک قبضه از خاک سفیدی آورد و گفت: در این زمین فرزند تو، حسین،

کشته می‌شود و نام آن زمین طف است. چون جبرئیل از نزد رسول خدا ﷺ رفت. تربت در دست ایشان بود و گریه می‌کرد و فرمود: ای عایشه! به درستی که جبرئیل به من خبر داده است که فرزندم حسین در زمین طف کشته می‌شود و امت من بعد از من ازمایش می‌شوند. آن‌گاه رسول خدا به طرف اصحاب خود رفت که در آن‌جا علی و ابوبکر و عمر و حذیفه و عمار و ابوذر بودند، در حالی که گریه می‌کرد. اصحاب جلو آمدند و گفتند: چه چیز شما را گریانید؟ فرمود: جبرئیل به من خبر داد که فرزندم، حسین ﷺ، در زمین طف کشته می‌شود و برای من از تربت آن زمین آورد و به من خبر داد که مضجع او در آن‌جا خواهد بود (الهیثمی، ۱۴۰۲ ق، ج ۹، ص ۱۸۷). در روایت دیگری آمده است که پیامبر خاک کربلا را می‌بویید و می‌فرمود: «ویح کرب و بلا».

نیز طبرانی در المعجم الکبیر از ام‌سلمه روایت کرده است که گفت: حسن و حسین ﷺ در خانه من جلو رسول الله ﷺ بازی می‌کردند. ناگهان جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! این فرزند تو به دست امت تو کشته می‌شود [و اشاره کرد به امام حسین ﷺ]. سپس رسول خدا گریه کردند و حسین را به سینه خود گرفتند و دیدم در دست پیامبر تربتی بود و آن را می‌بویید و می‌گفت: ویح کرب و بلا؛ یعنی آه از محنت و بلا. رسول خدا آن خاک را به ام‌سلمه دادند و فرمودند: هرگاه این خاک به خون تبدیل شد، بدان فرزندم حسین ﷺ کشته شده است. ام‌سلمه آن خاک را در شیشه‌ای نگهداری و هر روز آن را ملاحظه می‌کرد و می‌فرمود: ای خاک! یک روزی به خون تبدیل خواهی شد به خاطر روز بزرگی (طبرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۱۰۸).

این روایت را شیخ مفید در کتاب ارشاد به تفصیل‌تری از ابن مخارق از ام‌سلمه روایت کرده است که گفت: شبی رسول خدا ﷺ از پیش ما بیرون رفت و مدتی طولانی ناپدید شد. سپس بازگشت در حالی که سر و رویش خاک آلود بود و دستش نیز بسته بود. من گفتم: ای رسول خدا! چیست که من شما را خاک آلود می‌بینم؟ فرمود: مرا در این ساعت به جایی از سرزمین عراق بردند که نامش کربلا بود و در آن سرزمین جای کشته شدن فرزندم، حسین و گروهی از فرزندان و خاندانم را به من نشان دادند و من

پیوسته خون ایشان را از آن جا می‌گرفتم و آن اکنون در دست من است و دست خود را باز کرده، فرمود: آن را بگیر و نگهداری کن. من آن را گرفتم، دیدم مانند خاک سرخ بود. سپس در شیشه نهادم و سر آن را بستم و از آن نگهداری می‌کردم تا آن‌گاه که حسین علیه السلام سمت عراق رهسپار شد. من هر روز و شب آن شیشه را بیرون می‌آوردم و بو می‌کردم و بدان می‌نگریستم و بر مصیبت‌های آن جناب گریه می‌کردم و چون روز دهم محرم شد، همان روزی که حسین علیه السلام کشته شده بود، در اول روز که آن را بیرون آوردم: دیدم به حال خود است. دوباره آخر روز آن را آوردم و دیدم، خون تازه شده است. من به تنهایی گریه شروع کردم و اندوه خود را فرو بردم از ترس آن‌که مبادا دشمنان ایشان در مدینه بشنوند و در شماتت ما شتاب کنند و پیوسته آن روز و آن ساعت را در نظر داشتم تا خبر شهادت آن حضرت را به مدینه آوردند و آنچه دیده بودم، به حقیقت پیوست (مفید، بی تا، ج ۲، ص ۱۳۳).

این‌ها نمونه‌هایی است از روایات شیعه و سنی در فضیلت تربت ابا عبدالله الحسین علیه السلام. امثال این روایات در کتاب‌های شیعه و سنی فراوان است که از راویان عادل و ثقه نقل شده و دلالت می‌کند بر قداست آن بقعه مبارکه و شرافت تربت مقدس امام حسین علیه السلام که فرزند پیامبر در آن زمین به شهادت رسیده است. بر این اساس، نقص و یا عیبی نیست که بندگان نمازگزار قطعه‌ای از خاک کربلا تهیه کنند و به صورت مهری در آورند و برای خداوند متعال روی آن سجده نمایند.

در حقیقت می‌توان گفت که زمین کربلا مانند زمین مکه مکرمه و مدینه منوره است و این که مکه و مدینه دارای قداست و عظمت است به دلیل وجود خانه خدا و مسجد الحرام و قبر پیامبر اسلام و امامان معصوم و صحابه رسول خدا در آن است. خاک کربلا هم به دلیل شهادت امام حسین علیه السلام و حرم شریف و مضجع نورانی آن حضرت قداست یافته است.

هیثمی در مجمع الزوائد روایت کرده است که چون امام امیرالمؤمنین علیه السلام به کربلا افتاد، قبضه‌ای از خاک کربلا را برداشت و بویید و گریه کرد تا این که زمین جلو

ایشان تر شد و فرمود: از این سرزمین هفتاد هزار نفر که بدون حساب وارد بهشت می‌شوند (الهیثمی، ۱۴۰۲، ق، ج ۹، ص ۱۹۱).

استحباب نه وجوب

نکته‌ای که یادآوری آن لازم است این که شیعیان نمی‌گویند سجده بر تربت امام حسین علیه السلام واجب است، بلکه به استحباب آن معتقدند و از باب افضلیت سجده بر تربت کربلا، مهر کربلا تهیه می‌کنند. این موضوع بدان جهت است که انسان باید بر زمین پاک و هر چیز پاک دیگری که سجده بر آن صحیح است، سجده کند. پس چه بهتر که از خاک قبر شهید راه خدا و یا قبر پیامبر و صالحان قطعه خاکی کوچک به صورت منجمد و یا باز تهیه نماید تا هر جا بخواند نماز بخواند بر آن سجده کند؛ چون ممکن است در سفر و یا وطن، خصوصاً هنگام باریدن برف و باران چیزی که سجده بر آن صحیح است، پیدا نکند و یا یافتن آن برایش مشکل باشد. اگر تربت امام حسین علیه السلام را همراه داشته باشد و بر آن سجده کند، افضل است. سجده بر خاک قبر اولیای خدا افضل است و این، سیره بزرگان از صحابه رسول خدا و تابعین و فقهای بزرگ بوده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. اوزاعی که خود استاد ابی حنیفه است، هرگاه می‌خواست به سفر برود مقداری از خاک مدینه منوره را با خود بر می‌داشت تا بر آن سجده نماید. از او سؤال شد که چرا خاک مدینه با خود می‌برد؟ در جواب گفت: مدینه از همه بقعه‌های روی زمین افضل است؛ زیرا پیامبر اسلام در آن دفن شده است و من دوست می‌دارم که سجده من برای خدای متعال روی آن خاک باشد (قرشی، ۱۴۱۸، ق، ص ۲۶۷).

۲. محمد بن المشهدی در مزار کبیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله تسبیحی داشتند از ریسمانی که بافته شده و به عدد تکبیرات بود و آن را در دست داشتند و با آن تکبیر و تسبیح می‌گفتند. زمانی که حضرت حمزه بن عبدالمطلب شهید شد، از تربت حضرت حمزه تسبیح ساختند و با آن تکبیر می‌گفتند و بعد از آن مردم از خاک قبر حمزه تسبیح درست کردند تا این که حضرت

امام حسین علیه السلام شهید شدند، مردم از خاک قبر حمزه عدول کردند و از تربت امام حسین تسبیح ساختند و با آن تسبیح می‌گفتند. چون تربت امام حسین علیه السلام نسبت به خاک قبر حمزه دارای فضل و مزیت است (حر عاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۶، ص ۴۵۵ و نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۱۲).

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام ائمه معصومین شیعه علیهم السلام پیوسته نسبت به اتخاذ تسبیح و همچنین سجده بر تربت آن حضرت علیه السلام اقبال داشتند (بحرانی، بی تا، ج ۷، ص ۲۶۱).
۳. در کتاب خلاصه الوفاء باخبار دارالمصطفی آمده است: رسم و دأب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام این بود که قبر حمزه (رض) و قبر شریفش را مرمت و اصلاح می‌کرد و بر قبر شریف حمزه به سنگی علامت نمود.

نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است: فاطمه قبر عمویش، حمزه، را در هر جمعه زیارت می‌کرد و نزد قبر او نماز می‌گزارد و گریه می‌کرد. نیز روایت کرده‌اند که آن بزرگوار در هر دو سه روز یک بار به قبر شهدای احد می‌رفت و نماز می‌گزارد و دعا و گریه می‌کرد تا این که به رحمت حق پیوست (سمه‌وری، ۱۳۷۶، ص ۳۰۱).

۴. مسروق بن اجدع که یکی از تابعین پیامبر و از اصحاب ابن مسعود و نیز جزء طبقه اول از اهل کوفه پس از پیامبر بوده و از کسانی است که از ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیهم السلام و عبدالله بن مسعود روایت کرده است. ابن سعد در الطبقات الکبری می‌نویسد: «کان مسروق اذا خرج یخرج بلبنه یسجد علیها فی السفینه»؛ مسروق بن اجدع به هنگام مسافرت خشتی را با خود بر می‌داشت تا در کشتی بر آن سجده کند (ابن سعد، بی تا، ج ۶، ص ۷۹).

۵. ازرقی در اخبار مکه آورده است: رزین گفته است: «کتب الی علی بن عبدالله بن عباس رضی الله عنه ان ابعث الی من احجار المروه اسجد علیه» (ازرقی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۱)؛ علی بن عبدالله عباس برای من نوشت: لوحی از سنگ‌های مروه را برای من بفرست تا بر آن سجده کنم. رتال جامع علوم انسانی.
مسلم نماز خواندن روی سنگ کوه مروه که منتهای سعی بین صفا و مروه است، بر

سایر سنگ‌های عالم فضیلت دارد و این عمل از باب استحباب و افضلیت است، نه از باب عملی واجب؛ چون سجده بر تمام اجزای زمین جایز است؛ همان طور که در مذهب شیعه امامیه هم از باب یک عمل مستحب است. فقیه نامدار شیعه شهید اول در کتاب دروس فرموده است: «يستحب السجود على الارض و على التربة الحسينية». (حرعاملی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸)؛ سجده بر زمین و سجده بر تربت امام حسین علیه السلام مستحب است و در حقیقت سجده بر زمین از چیزهای دیگر افضل است و تربت امام حسین علیه السلام بر خاک نیز افضل است.

ذکر اخبار سجده رسول خدا و ائمه علیهم السلام بر خمره

علاوه بر اخبار و روایات ذکر شده از شیعه و سنی و علاوه بر آنچه از صحابه و تابعین نقل شده است، روایات دیگری دلالت می‌کند بر جواز و صحت سجده بر تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«عن میمونه زوجه النبی صلی الله علیه و آله ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یصلی علی الخمره.» (نسائی، ۱۳۴۸ ق، ج ۲، ص ۵۷)؛ میمونه همسر رسول خدا روایت کرده است که همیشه پیامبر بر خمره نماز می‌گزاردند.

«عن ابن عمر قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصلی علی الخمره رواه احمد و البزاز و الطبرانی فی الکبیر و الاوسط و زاد فیہ و یسجد علیها و رجال احمد رجال الصحیح و عن ام حبیبه زوجه النبی صلی الله علیه و آله و سلم ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم کان یصلی الخمره و رواه ابو یعلی و الطبرانی فی الکبیر و رجال الی یعلی رجال الصحیح.» (الهیثمی، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۵۶)؛ از عبدالله بن عمر روایت شده است که شیوه و رسم پیامبر این بود که بر خمره نماز می‌خواند و این حدیث را احمد و بزاز و طبرانی در کتاب کبیر و اوسط روایت کرده‌اند و رجال احمد بن حنبل رجال صحیح می‌باشد و نیز از ام حبیبه، همسر پیامبر، روایت شده است که شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که بر خمره نماز می‌خواندند و این روایت را ابو یعلی و طبرانی در کتاب کبیر نقل کرده‌اند و رجال ابو یعلی صحیح هستند.

مجمع‌البحرین در تفسیر و معنی خمره می‌نویسد: خمره بضم خا، سجاده کوچکی

است که از لیف خرما ساخته و با نخ بسته می‌شود و در نهایت ابن اثیر آمده است که خمره به اندازه‌ای است که انسان بتواند در حال سجده صورت خود را روی آن بگذارد و خمره غیر از این مقدار نیست (طریقی، ۱۴۰۸ ق، ۱، ص ۷۰۱ و جزری، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷).

از تفسیر نهایت استفاده می‌شود که خمره به اندازه یک جانماز کوچک است که قابل حمل و نقل و در جیب گذاشتن است. شبیه لوحه و قطعه‌ای از خاک و سنگ که می‌توان بر آن سجده کرد و از آن بزرگ‌تر نیست.

نیز بخاری از میمونه، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، روایت کرده است که رسم رسول خدا این بود که بر روی سجاده خمره نماز می‌گزاردند (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱).
نیز از میمونه در حدیث دیگری به این صورت روایت کرده است: پیامبر نماز می‌خواندند و من در کنار ایشان بودم؛ به طوری که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله سجده می‌کردند، جامه رسول خدا به من می‌رسید و ایشان بر سجاده خمره نماز می‌گزاردند (بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۱).

استحباب سجده بر خمره در روایات شیعه

کلینی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «السجود علی الارض فریضة و علی الخمره سنه». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۳۱)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: سجده کردن بر زمین واجب است، ولی سجده بر خمره مستحب است. نیز روایت کرده است که ابراهیم بن عقبه به طرفیت از بعضی شیعیان نامه‌ای به امام باقر علیه السلام نوشت و سؤال کرد از حکم نماز خواندن بر خمره مدینه. امام در جواب نوشتند: «در آن نماز بخوان، اگر از خیوط (نخ) خودش درست شده است و اما اگر با سیور ساخته شده است در آن نماز نخوان» و سیور نخی است که از پوست حیوانات گرفته شده است.

نیز امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «شیعیان ما از چهار چیز بی‌نیاز نیستند: خمره‌ای که بر روی آن نماز بخوانند و انگشتری که آن را در دست کنند و مسواکی که با آن مسواک نمایند و تسبیحی از خاک قبر امام حسین علیه السلام» (طوسی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۷۲).

از این روایت و روایتی که به رسول خدا مربوط بود، استفاده می‌شود که در مدینه سجاده کوچکی بنام خمره ساخته می‌شده است و بر روی آن سجده می‌کردند و این‌ها به مهری شبیه بوده است که اکنون شیعیان از تربت امام حسین علیه السلام تهیه می‌کنند و بر آن نماز می‌خوانند و در روایات سجده بر خمره و تربت مستحب تلقی شده است. بنابراین، ثابت می‌شود که عمل شیعه امامیه که اصرار دارند بر تربت نماز بخوانند صحیح و با سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب آن حضرت و تابعین و علما و صالحان از مسلمانان منطبق بوده است.

پاسخ به یک پرسش

در این جا ممکن است این شبهه مطرح شود که سجده بر تربت امام حسین علیه السلام نوعی شرک است و در حقیقت پرستش است و پرستش غیر خدا حرام است. در جواب می‌گوییم: اولاً، با احادیث و روایات شیعه و سنی که ذکر کردیم روشن گردید که عمل طایفه امامیه عملی است مطابق با سنت و سیره رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام و صحابه و تابعین و بسیاری از عالمان که بیان آن‌ها گذشت و این نوع عمل نه شرک است و نه پرستش غیر خدا؛ و الاً باید سجده بر خمره و یا حصیر و یا سنگ و هر چیز دیگر شرک باشد و هیچ کس این را نگفته است. بنابراین، حساسیت نشان دادن عده‌ای از مسلمانان نسبت به تربت امام حسین علیه السلام صحیح نیست و لابد جنبه سیاسی دارد.

ثانیاً، متفکر و دانشمند باید فرق بگذارد بین این دو جمله عربی: «السجود لله و السجود علی التربة». به طور مسلم مفاد جمله اول این است که سجده برای خداست و جایز نیست برای غیر خدا سجده واقع بشود؛ همان‌طور که اجماع تمام مسلمانان است که سجده برای غیر خدا حرام است و جایز نیست. طاعات فریضی ولی مفاد جمله دوم این است که سجده بر زمین صورت می‌گیرد. به تعبیر دیگر شیعیان با سجده بر زمین برای خدا سجده می‌کنند؛ همان‌طور که تمام مسلمانان بر چیزی سجده می‌کنند، در حالی که سجده آنان برای خداست. تمام زائران خانه خدا بر

سنگ‌های مسجدالحرام سجده می‌کنند و هدف از سجده آنان هم خداست. بنابراین، اگر بر تربت امام حسین علیه السلام کردیم، سجده برای خداست. آنچه حرام است پرستش غیر خداست. کسی که بر خاک و یا تربت سجده می‌کند، غیر خدا را پرستش نمی‌کند. بنابراین، سجده بر تربت شرک نخواهد بود و این اتهام بر یک طایفه بزرگ از مسلمانان جز امری سیاسی که از نقشه شوم دشمنان صورت گرفته چیز دیگری نیست و چه عاقلانه‌تر این است که با این شبهه‌های واهی و این امور جزئی موجب تفرقه بین مسلمانان نشوند، بلکه با هم متحد شوند تا از دشمنان آسیب نبینند.

نتیجه

با اندکی تأمل در متون آیات و روایات و متن مقاله، نتایج این نوشتار در چند مطلب خلاصه می‌شود:

۱. سجده از واجبات نماز و به اتفاق همه مسلمانان از ارکان است و بهترین حالت نمازگزار و موجب تقرب به خدای متعال است.
۲. سجده بر غیر آنچه از زمین است و یا چیزهای که از زمین می‌روید و خوردنی و پوشیدنی است صحیح نیست؛ چنان که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله معمول نبوده که در حال اختیار بر غیر زمین سجده کنند. بنابراین، سجده بر فرش و لباس و دور عمامه و امثال این‌ها در حال اختیار جایز نیست و از مستحذات است.
۳. سجده بر خاک افضل است نسبت به تمام چیزهایی که سجده بر آن‌ها صحیح است؛ حتی بر سنگ هم افضل است. دلیل آن روایات فراوانی است که از شیعه و سنی وارد شده و تعدادی از آن‌ها در متن مقاله بیان شده است.
۴. سجده بر تربت مقدس امام حسین علیه السلام برتر از همه چیز است؛ حتی از خاک‌های تمام عالم برتر است، دلیل آن روایات فراوانی است که از شیعه و سنی از پیامبر صلی الله علیه و آله در فضیلت و شرافت و قداست کربلا رسیده و نیز بین صحابه رسول خدا و تابعین و فقها معمول بوده است که بر تربت مکه و مدینه از جهت قداست آن‌ها سجده می‌کردند.

۵. اخباری مبنی بر این که پیامبر ﷺ و امامان معصومین بر جا نماز کوچکی که از لیف خرما درست شده بوده است، نماز خواندند؛ صحت و جواز سجده بر تربت امام حسین را ثابت می‌کند.

۶. کسانی که شبهه شرک و پرستش غیر خدا را در سجده بر تربت امام حسین مطرح کرده‌اند، صحیح نیست و پاسخ این شبهه داده شده و در پایان توصیه گردیده که مسلمانان نباید فریب دشمنان بخورند و برای امور جزئی موجب تفرقه بین مسلمانان شوند، بلکه لازم است آنچه را موجب اتحاد است، تقویت کنند.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. العینی، بدرالدین ابی محمد محمد بن احمد (بی تا)، *عمده القاری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳. الهندی، علاءالدین المتقی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹ ق)، *کنز العمال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۴. الهیثمی، حافظ نورالدین، علی بن ابی بکر (۱۴۰۲ ق)، *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، بیروت: دارالکتب العربی.
۵. ازرقی، ابوالولید، محمد بن عبدالله بن احمد (بی تا)، *اخبار مکه، بی جا، بی نا*.
۶. ابن سعد (بی تا)، *الطبقات الكبرى*، بیروت: دارالفکر.
۷. بیهقی، ابی بکر احمد بن الحسین (۱۴۱۴ ق)، *السنن الكبرى*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. بحرانی، شیخ یوسف (بی تا)، *الحدائق الناظره فی احکام العترة الطاهره*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، *صحیح بخاری*، ریاض: مکه مکرمه و الاعلان (داراشیعلیا).
۱۰. جزری، ابن اثیر الامام مجدالدین (بی تا)، *النهایه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۱. جزیری، عبدالرحمن (۱۴۰۹ ق)، *الفقه علی المذاهب الاربعه*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. حنبل، الامام احمد (بی تا)، *المسند*، بیروت: دارالفکر.
۱۳. حرعاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۳۹۱ ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۴. خمینی، سیدروح الله (۱۴۰۸ ق)، *تحریر الوسیله*، قم: اسماعیلیان.
۱۵. سجستانی، ابی داود سلیمان اشعث (۱۴۰۹ ق)، *سنن*، بیروت: دارالجنان.
۱۶. سمهودی، علامه نورالدین (۱۳۷۶)، *اخبار مدینه*، ترجمه: الوفاء باخبار، دارالمصطفی.
- مقدمه و تصحیح و تعلیقات: سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران: نشر مشعر.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی (۱۳۹۰ ق)، *من لایحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳ق). *المیزان*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۱۹. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۱۹ق). *العروة الوثقی*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۰. طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق). *مجمع البحرین*، تحقیق: سیداحمد حسینی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۲۱. طوسی، شیخ محمد بن الحسین (۱۳۶۶). *تهذیب الاحکام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. طبرانی، الحافظ ابی‌القاسم سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق). *المعجم الکبیر*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۳. عاملی، شهید محمد بن مکی (بی‌تا). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. قرشی، باقرشریف (۱۴۱۸ق). *هذه هي الشيعة*، بی‌تا.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲). *الفروع من الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. کرکی، شیخ علی (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: انتشارات آل‌البيت لاحیاء التراث العربی.
۲۷. مفید، محمد بن محمد النعمان العکبری (بی‌تا). *الارشاد*، ترجمه: رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامی.
۲۸. سیدرضی (۱۳۷۹). *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات پارسایان.
۲۹. نسائی، حافظ ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب (۱۳۴۸ق). *سنن نسائی*، بیروت: دارالفکر.
۳۰. نیشابوری، حاکم (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالکتب العلمیه.